



۲۰۱۸/۰۴/۲۵

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

نغمهٔ دلار

با زوال اتحاد جماهیر شوروی و یک قطبی شدن جهان، آرامش نسبی از دنیا چیده شد و برای نفوذ در شرق و غرب بهانه جویی هایی ایجاد گردید که عامل آن، قدرت یکه تاز امریکاست، از حمله بر افغانستان و عراق و به سلسلهٔ آن تا امروز در شرق و غرب ادامه دارد. سروده یی دارم به همین مناسبت که به حیث تکرار حسن تقدیم می شود:

گر قدرت منحوس جهانخوار نباشد	هرگز به جهان این همه آزار نباشد
نا پاک نبیند کس و نا پاک نسنجد	در رأس گر این قدرت مردار نباشد
هر بار به هم کوس عداوت ننوازند	صوت دُهل از نغمهٔ دلار نباشد
کس در ره امید کسی سنگ نریزد	گل را به چمن محنتی از خار نباشد
روشن شود از نور محبت دل عالم	اکناف جهان شعله ور از نار نباشد
یک روز برادر به برادر نستیزد	در جنگ و جدل، این دو بهر بار نباشد
آزار ضعیفان نکند جاه پرستان	کس این همه آدمکش و خونخوار نباشد
عمریست فرو ریخته کانون عدالت	این مائده را گرمی بازار نباشد
در سایهٔ محنت نکشد بار حقارت	تا خود غرضی، عامل آزار نباشد
بیهوده کسی سر ندهد بهر حقیقت	تا حق تلف، ایجادگر کار نباشد

صد عقده به دل دارم ازین زور پسندان
جز مهر و محبت که بود رونق هستی
ای کاش که این بار، دگر بار نباشد
هر جنس کنی عرضه، خریدار نباشد
جز رنج و غم و محنت و ادبار نباشد
عمریست که در قسمت ما مردم مظلوم

کس با زر و با زور «اسیر» تو نگردد
هشدار که این کار به اصرار نباشد

م. نسیم «اسیر» ۶ اکتوبر ۲۰۰۶م، فرانکفورت

